



Examining the Role of Urban Design According to the Components of Subjective Perception and Its impact on the Presence of Citizens



ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Mehri Gharabolia B.¹ MA

Haghlesan M.^{2*} PhD

Saghafi A.² PhD

How to cite this article

Mehri Gharabolia B, Haghlesan M, Saghafi A. Examining the Role of Urban Design According to the Components of Subjective Perception and Its impact on the Presence of Citizens. Geographical Research. 2023;38(4):549-558.

ABSTRACT

Aims The present study endeavors to discern the factors and criteria that prove effective in enhancing the perception and cognitive representation of urban space among citizens.

Methodology This particular applied investigation was executed between the years 2022 and 2023 at the renowned city of Tabriz. Through cluster sampling, four prominent sidewalks within Tabriz were designated as the primary focal points. Urban pedestrians utilizing these sidewalks constituted the statistical sample, from which a random selection of 100 individuals was made. Consequently, each pedestrian's contribution accounted for 25 individuals. The research instrument employed was a comprehensive questionnaire consisting of 40 items, meticulously constructed based on relevant literature and theories. To analyze the findings, both the chi-square test and Pearson correlation were employed.

Findings In general, the evaluation of the pedestrian crossings in Tabriz city has yielded positive results for both genders, although women have exhibited a greater inclination to be influenced by the crossings due to the fact that they enhance their visibility.

Conclusion The enhancement of citizen presence is closely associated with three fundamental aspects, namely the mental image, the concept of readability, and the concept of liveliness. Among these aspects, the dimension of proportions has the most significant impact on the mental components, while the dimension of nature holds the utmost importance in terms of the urban design components. Furthermore, in the realm of presence, the mental image components take precedence, followed by the readability and vitality components.

Keywords Presence; Evaluative; Friendly; Mental Maps; Sub-Culture

¹Department of Architecture and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

²Department of Architecture and Urban Planning, Ilkhchi Branch, Islamic Azad University, Ilkhchi, Iran

*Correspondence

Address: Department of Architecture and Urban Planning, Ilkhchi Branch, Islamic Azad University, Imam street, Ilkhchi, East Azarbaijan, Iran.
Postal Code: 5358114418
Phone: +98 (41) 33421214-7
Fax: +98 (41) 33421213
m.haghlesan@iauil.ac.ir

Article History

Received: November 16, 2023

Accepted: December 18, 2023

ePublished: December 29, 2023

CITATION LINKS

[Appleton, 2012] Systems consultation: Developing the assessment-to-intervention ...; [Aram *et al.*, 2018] A survey on the role of periodical markets in the sociability of ...; [Audas & Williams, 2001] Engagement and dropping out of school: A life-course ...; [Azemati *et al.*, 2012] Environmental factors affecting student satisfaction ...; [Azzi *et al.*, 2007] An evaluation method for school building design at the ...; [Barker, 1969] Ecological psychology: Concepts and methods for studying ...; [Berman, 1996] The transportation effects of neo-traditional ...; [Blaikie, 2009] Designing social research: The logic ...; [Day, 2007] Environment and children: Passive lessons from ...; [Finn, 1998] Parental engagement that makes ...; [Fredricks *et al.*, 2004] School engagement: Potential of the concept, state ...; [Hartig *et al.*, 2003] Tracking restoration in natural and urban ...; [Jimerson *et al.*, 2003] Toward an understanding of definitions and measures ...; [Kamelnia, 2010] A new outlook at design of learning ...; [Khakzad *et al.*, 2014] Identification of factors influencing urban facade's ...; [Khan & Kotharkar, 2012] Performance evaluation of school environs: Evolving an ...; [Lynch, 2016] The image of the ...; [Montague, 2015] Destination marketing association international ...; [Motalebi, 2002] Environmental psychology: The new knowledge-based ...; [Nasar, 1997] The evaluate image of ...; [Rafian & Khodae, 2010] The study of determining indices and criteria of citizen's ...; [Rahimi *et al.*, 2017] Evaluation the impacts of spatial scale on the residents' ...; [Rapoport, 1990] The meaning of the built environment: A nonverbal ...; [Schaufeli *et al.*, 2002] The measurement of engagement and burnout: A two sample ...; [Seif, 2015] Educational measurement, assessment ...; [Sharifi, 2008] Measuring performance in the ...; [Tayyebi & Zekavat, 2017] Exploring Iranian tourists' image of Isfahan ... [Tolman, 1948] Cognitive maps in rats and ... [Vaske & Kobrin, 2001] Place attachment and environmentally responsible ...; [Vahdat & Sajadzadeh, 2016] The study and evaluation of the role of urban art ...; [Whyte, 1980] Social life of small urban ...; [Wilms, 2003] Student engagement at school: A sense of belonging ...; [Zamani & Nasre Isfahani, 2009] Physical and cultural characteristics of instructional spaces in four ...;

بررسی نقش طراحی شهری مبتنی بر مولفه‌های ادراک ذهنی و نقش آن بر حضورپذیری شهروندان

بهرام مهری قاراب علیا MA

گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مسعود حق‌لسان* PhD

گروه معماری و شهرسازی، واحد ایلیخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلیخچی، ایران

آرش ثقفی PhD

گروه معماری و شهرسازی، واحد ایلیخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلیخچی، ایران

چکیده

اهداف: تصور ذهنی حاصل تعامل انسان با فضا و زمان بوده و حاوی مولفه‌های مکانی، زمانی و انسانی است که بیانگر احساسات و تصور ذهنی شخص از یک منظره است. پژوهش حاضر در پی آن بوده که عوامل و معیارهای موثر بر ارتقای ادراک و تصویر ذهنی شهروندان از فضای شهری را شناسایی کند.

روش‌شناسی: این پژوهش از نوع کاربردی بوده در سال ۱۴۰۲ در شهر تبریز به انجام رسید. از میان پیاده‌راه‌های شهری، چهار پیاده‌راه اصلی شهر تبریز با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. جامعه آماری عابری شهری این پیاده‌راه‌ها بوده که از میان آنها ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. به طوری که سهم هر یک از پیاده‌راه‌ها ۲۵ نفر تعیین شد. ابزار پژوهش پرسش‌نامه ۴۰ گویه‌ای بود که با استفاده از مطالعه پیشینه و نظریات مرتبط طراحی شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از آزمون کای اسکوار و همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: در مجموع پیاده‌گذرهای شهر تبریز هم برای زنان و هم برای مردان مثبت ارزیابی شده ولی زنان به دلیل پررنگ‌تر جلوه‌دادن حضورپذیری، تأثیر بیشتری از گذرها پذیرفته‌اند.

نتیجه‌گیری: ارتقای حضورپذیری در شهروندان طبق مطالعات انجام شده به ترتیب با سه بُعد تصویر ذهنی، مفهوم خوانایی و مفهوم سرزندگی مرتبط است. مهم‌ترین تأثیر در بین مولفه‌های ذهنی مربوط به بُعد تناسبات و در بین مولفه‌های طراحی شهری به بُعد طبیعت تعلق داشته و در زمینه حضورپذیری نیز به ترتیب مولفه‌های تصویر ذهنی و پس از آن مولفه‌های خوانایی و سرزندگی قرار داشتند.

کلیدواژگان: حضورپذیری، ارزیابانه، دوست‌داشتنی، نقشه‌های ذهنی، خرده‌فرهنگ

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

*نویسنده مسئول: m.haghlesan@iauil.ac.ir

مقدمه

نقشه‌های ارزیابانه به دلیل سنجش محدوده‌های قابل قبول، معرفی عناصر پراهمیت و کم‌اهمیت، معانی و احساسات مرتبط با محیط یکی از بهترین روش‌ها در ثبت برداشت ذهنی شهروندان و همچنین بررسی تجارب محیطی آنها هستند. ارزیابی ترجیحات و توقعات مردم نسبت به محیط می‌تواند منجر به هدایت برنامه‌ریزان، طراحان و حتی مدیران شهری در شکل‌گیری محیطی همراه با رضایت‌مندی بهره‌برداران شود. این موضوع نتیجه توسعه‌ای است که از کار نوآورانه لینچ در دهه ۱۹۶۰ رخ داد [Lynch, 2016]: یعنی تغییر پارادایمی که لینچ در دهه شصت میلادی از نگرش‌های «زیباشناسانه» و متأثر

از جنس شهر زیبا به سمت نگرش‌های «روانشناسانه» و ادراکی-شناختی از شهر انجام داد. در واقع این امر انقلاب بزرگی در طراحی شهری بود که با افزوده‌شدن جنبه‌های ارزیابانه به دست جک ال نسر در دهه نود میلادی کامل شد [Nasar, 1997]. اصطلاح «نقشه‌های ارزیابانه» نخستین بار به عنوان مفهومی ناشی از توسعه نقشه‌های شناختی/لینچ معرفی شد. وی کوشید موضوع ارزیابی فرد از محیط را که مورد بی‌توجهی/لینچ بود، به نقشه‌های شناختی اضافه نماید. پژوهش حاضر در پی آن است تا با بررسی رویکردها و مبانی نظری تصویر و ادراک ذهنی چارچوبی را ایجاد نماید که به وسیله آن عوامل و معیارهای موثر در ارتقای ادراک و تصویر ذهنی شهروندان از فضای شهری شناسایی شود. در این راستا، نقشه‌های ترکیبی و محدوده‌های دوست‌داشتنی و غیردوست‌داشتنی که به وسیله شهروندان در این نقشه‌ها معرفی شده‌اند مبنایی را برای معیارهای موثر در تصویر ذهنی ارزیابانه فراهم می‌آورد.

انسان به عنوان مهم‌ترین عامل در پویایی فضاهای شهری نیازمند بستری مناسب برای حضور موثر در فضاهای شهری است. پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارب اجتماعی وی مستلزم وجود فضا و قرارگاه کالبدی است و فضای عمومی ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می‌شود. امروزه شهروندان بیشتر وقت خود را در فضاهای خصوصی می‌گذرانند و فضاهای خصوصی روزبه‌روز گسترش می‌یابند و فضاهای عمومی به مسیرهایی برای ارتباط فضاهای خصوصی بدل گشته‌اند. این در حالی است که به دلایل مختلف از جمله گرایش به زندگی ماشینی، حضور گسترده وسایل نقلیه و تغییر چهره شهر به واسطه چیرگی اتومبیل بر فضای شهری، افزایش سرعت جابه‌جایی، جدایی‌گزینی مردم از فضاهای عمومی، نادیده‌انگاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در فضاهای عمومی، بی‌توجهی به حفظ و ارتقای حیات جمعی در دهه‌های پیشین، برخی از این فضاها در مقیاس‌های مختلف شهری اهمیت و نقش خود را از دست داده‌اند و شهرها به نیاز انسان به عنوان یک موجود اجتماعی به‌درستی پاسخ‌گو نبوده و مردم تنها به شهر به عنوان مسیری برای گذر می‌نگرند.

نقشه‌های ارزیابانه انعکاسی از تصویرهای ذهنی ارزیابانه عمومی از شهر هستند. این تصویرهای ذهنی مشترک شامل روی هم اندازی تصویرهای ذهنی فردی بسیاری است. تصویرهای ذهنی عمومی متمایزی توسط گروه‌های گوناگون ارایه می‌شود [Rahimi et al., 2017]. جمعاً می‌توان گفت که معانی توسط تصویر ذهنی ارزیابانه قابل پیش‌بینی هستند. گرچه در خرده‌فرهنگ‌ها ممکن است با هم متفاوت باشند، ولی ترجیحات بصری به‌شدت مشابه به هم هستند. درست همانند خوانایی یا تصویرپذیری شهر که به مردم ساکن آن کمک می‌کند، معانی ارزیابانه نیز بر جابه‌جایی‌های مردم در یک شهر موثر خواهند بود. این معانی می‌توانند بر انتخاب محل سکونت، مکان‌هایی برای خرید و تفریح و انتخاب شریان‌های عبور و مروری

فقط اداره کردن است؟ مهم‌ترین تعریفی که از حضورپذیری شده است از کیمبل است. او حضورپذیری را درگیری نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می‌دهد تعریف کرده است. مدیران شهری و بازدیدکنندگان به عنوان دو قطب محوری فضای شهری مطرح می‌شوند و نقش مدیران شهری همانا ایجاد انگیزه، هدایت و تشویق ایشان به حضور است. بنابراین می‌توان بر این نکته به‌جد تاکید کرد که کیفیت و قابلیت‌های مدیران شهری آیینی تمام‌نمای کیفیت حضورپذیری است [Aram et al., 2018]. یکی از جنبه‌های مهم حضورپذیری از طریق تقلید آن است که رفتار می‌تواند به‌سادگی از طریق مشاهده کسب شود و برای این کار لازم نیست که بازدیدکننده راساً به انجام دادن و تمرین و یا ارایه آن رفتار بپردازد. بازدیدکنندگان به طور ثابت در حال جذب و کسب اظهارات، حالت‌ها و نگرش‌های دیگران هستند و این امر بدون آنکه بازدیدکننده رجوع خاصی به اینگونه رفتارها داشته باشد، انجام می‌شود. هر رفتاری که در هر زمانی از بازدیدکنندگان سر می‌زند، می‌تواند به شکل یک الگو عمل کند. از این رو بازدیدکنندگان رفتارهای مثبت و منفی یا هر دو را از همدیگر خواهند آموخت. اصطلاح تصویر ذهنی اولین بار در سال ۱۹۳۲ توسط «تولمن» مطرح شد. او با نقد نظریه محرک-پاسخ معتقد بود افراد تصاویری ذهنی از علایم و شاخصه‌های محیطی را مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و نگرش خود و همچنین شرایط متفاوت، در نقشه‌ای شناختی و در ذهن خود می‌سازند و در زمانی که انگیزه و شرایط مناسب موجود باشد از آن بهره می‌برند [Tolman, 1948]. اگرچه/لینچ در تعریف مفهوم خوانایی از واژه تصویرپذیری در رابطه با کالبد شهری بهره برد، در عین حال این تصور ذهنی مجموعه تصاویری است که از ظاهر، کارکرد و معنای یک فضا در ذهن ما شکل گرفته است. در واقع هر چیزی که از یک منظره پس از دیده‌شدن توسط ناظر در ذهن وی باقی می‌ماند، تصور ذهنی شخص از آن منظره است. یعنی هم حاصل احساسات آنی شخص و هم مبتنی بر خاطره و تجارب گذشته اوست [Lynch, 2016]. لذا تصور ذهنی علاوه بر اجزای مکانی که حاصل تصویر محیطی است و در ذهن ناظر شکل می‌گیرد، شامل اجزای شناختی مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و عقاید فرد و اجزای عاطفی برخاسته از احساسات مثبت و منفی فرد در قبال یک پدیده و همچنین اجزای رفتاری نیز است [Tayyebi & Zekavat, 2017]. از سوی دیگر با توجه به اینکه تحلیل چگونگی بسط و توسعه یک تصویر ذهنی نیازمند تحلیل در طول زمان است [Lynch, 2016] بنابراین برای آن اجزای زمانی نیز می‌توان قایل شد. به عبارت دیگر تصور ذهنی را می‌توان حاصل تعامل انسان با فضا و زمان دانست. لذا یک تصور ذهنی حداقل شامل مولفه‌های مکانی، زمانی و انسانی خواهد بود. تصویر ذهنی بازدیدکنندگان نسخه‌ای از تصویری است که در ذهن بازدیدکنندگان شکل گرفته است و به همین علت نقاشی‌های بازدیدکنندگان در حکم پنجره‌ای به درون دنیای اندیشه‌ها و احساسات او هستند. می‌توان گفت نقاشی کوششی برای بازنمایی تصویر ذهنی بازدیدکنندگان از واقعیت‌ها است که با ادراک دنیای

موثر باشد [Rapoport, 1990]. البته امکان ندارد که شکل ظاهری مکان در هر رفتار فرد و در هر شرایطی تاثیر بگذارد. به عنوان مثال مکانی که عمل زشتی در آن رخ داده، نمی‌تواند مانع از رفتن مردم به سر کار شود. عوامل دیگر همچون رسم و رسوم، قیمت و آشنا بودن با فضا می‌تواند بر انتخاب تاثیر گذارد. به هرحال می‌توان با ارایه انتخابی تحقق‌پذیر مردم را جذب مکان‌های جذاب کرده و از غیرجذاب‌ها دور نمود. همچنین شکل ظاهری خوب باید افراد مشتاق را در مکان گرد هم آورده و کمک نماید تا مردم آن را به خاطر بسپارند و دوباره با میل و اشتیاق به آنجا بازگردند [Tayyebi & Zekavat, 2017].

وجوه فیزیکی فضاهای شهری تاثیر بسزایی بر رفتار دارد. محیط فیزیکی نامناسب رفتارهای غیرمتمتعرف را نیز به وجود می‌آورد. برای نایل شدن به اهداف متعالی، شاید یکی از نخستین مولفه‌هایی که باید بدان پرداخت محیط فیزیکی است. از این رو، در ادامه به بررسی برخی از این وجوه خواهیم پرداخت: نور، حرارت، صدا، محیط/کیفیت هوا، فضای فیزیکی و سطوح، میلمان، رنگ. مهم‌ترین مکان برای زندگی عمومی شهروندان فضای شهری است؛ زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد اجتماعی همه‌جانبه افراد بیشتر در این فضاها انجام می‌شود. وابستگی شدید حضورپذیری به شرایط محیطی مسئولیت عظیمی را برای تمام افراد جوامع بشری به بار می‌آورد. موقعیت‌هایی که بازدیدکنندگان در حال تحول در آنها قرار می‌گیرند، چه این موقعیت‌ها عمدی باشند یا غیرعمدی؛ حداکثر تاثیر را روی آنان خواهند گذاشت. آیا موقعیت‌هایی که امروزه فرد در حال تحول به طور مرسوم در آنها قرار می‌گیرد آنچنان هستند که مشوق پرورش متفکران متعهد، هنرمندان و یا دانشمندان بزرگ باشند؟ یا این موقعیت‌ها چنان هستند که چنین تحولی را سرکوب کنند و مانع از بهره‌گیری کامل از تفکر و تعقل انسان شوند [Seif, 2015]. پی‌بردن به این واقعیت که حضورپذیری تا حد زیادی به رویدادهایی وابسته است که فرد در محیط زیستش با آنها کنش متقابل دارد، ما را قادر می‌سازد تا به حضورپذیری به عنوان رویدادی که می‌شود آن را دقیق‌تر مورد بررسی قرار داد و عمیق‌تر فهمید، بنگریم. حضورپذیری رویدادی که صرفاً به طور طبیعی اتفاق بیفتد نیست، بلکه رویدادی است که تحت شرایط قابل مشاهده معین رخ می‌دهد. به علاوه، این شرایط قابل تغییر و کنترل هستند. همچنین می‌توان روابط بین این شرایط و تغییرهایی را که براساس حضورپذیری در رفتار فرد رخ می‌دهند مشخص کرد و در مورد آنچه که آموخته شده است، استنتاج‌هایی انجام داد. حضورپذیری در جریان زندگی انسان نقش مهم و اساسی دارد و هر کسی به نحوی از آن برخوردار است. آغاز تربیت انسان از بدو تولد اوست و تا وقتی که زنده است به آن نیاز دارد. اهمیت ارتباط حضورپذیری با انسان به حدی است که آن را پربهاترین دستاورد آدمی قلمداد کرده‌اند [Sharifi, 2008]. حضورپذیری از اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظایف فضاهای شهری است. اما جایگاه آن در شهر کجاست؟ آیا حضورپذیری مخصوص بازدیدکنندگان است و سهم مدیران شهری

ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود. برای تعیین مولفه‌های اشتیاق شهروندان به حضور در محیط شهری از مطالعه ادبیات پژوهش و نظریات شاخص در این زمینه استفاده شد. پس از تعیین شاخص‌ها و مولفه‌های مورد نظر، هر یک از این مولفه‌ها با استفاده از گویه‌های پرسش‌نامه ۴۰ سوالی به پرسش‌نهاد شد. برای ارزیابی روایی پرسش‌نامه، نسخه اولیه در میان ۲۵ نفر از نخبگان مطالعات شهری توزیع شد. این نخبگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. اصلاحات اولیه اعمال شد و برای بار دوم، پرسش‌نامه در میان همین نخبگان توزیع شد. پس از اعمال نظرات نخبگان، تعداد گویه‌های پرسش‌نامه به ۳۵ مورد کاهش یافت. برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد (۸۱٪).

جامعه آماری پژوهش شهروندان عابر در پیاده‌راه‌های شهر تبریز بود. به کمک فرمول کوکران و سطح خطای ۱۰٪ حجم نمونه آماری برای محدوده آماری مورد نظر معادل ۱۰۰ نفر تعیین شد. بنابراین سهم هر یک از پیاده‌راه‌ها ۲۵ پرسش‌نامه بود. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی بود، به این صورت که خوشه‌ها را می‌توان معادل چهار پیاده‌راه اصلی شهر تبریز عنوان کرد و جمعیت پاسخ‌دهنده هم به صورت تصادفی انتخاب شد. مبنای انتخاب بناهای شاخص دربرگیری خصیصه‌های غالب پیاده‌راه‌های شهر تبریز با تاکید بر دارا بودن کارکردهای زمینه محور به صورت متعادل بود.

فرآیند انجام این پژوهش به‌ترتیب استفاده از مبانی علمی طراحی شهری، تصویر ذهنی ارزیابانه و حضورپذیری شهروندان، استخراج مدل مفهومی و ترکیبی از موارد مذکور، برآورد معیارها و شاخص‌های مناسب و تنظیم پرسش‌نامه مرتبط و در نهایت پرکردن آن توسط استفاده‌کنندگان از پیاده‌راه‌ها برای بررسی متغیرهای داده‌های بصری و کارایی محوری بود. اطلاعات به‌دست‌آمده، پایه‌ای به منظور ارایه مدل طراحی شهری مبتنی بر تصویر ذهنی ارزیابانه فراهم می‌آورد و در آخر با توجه راهبردها و سیاست‌های ارایه‌شده به تبیین معماری کارایی محور ختم شد. اساس شکل‌دهی به این مدل رویکرد حضورپذیری شهروندان بود.

داده‌های کمی اطلاعاتی بودند که با تحلیل نمای حضورپذیری شهروندان در پیاده‌راه‌های شهر تبریز به‌دست آمدند. روش حاضر بر مبنای تلفیقی یعنی کمی-کیفی بود. این بدان معناست که در مطالعه کمی از روش پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل با استفاده از روش همبستگی پیرسون از طریق نرم‌افزار SPSS ۲۳ و در روش کیفی از روش مشاهدات میدانی استفاده شد. این روش ترکیبی کمک می‌کند تا با رویکردی همه‌جانبه‌گرایانه و همه‌شمول تمام جوانب طراحی شهری مبتنی بر مولفه‌های تصویر ذهنی ارزیابانه را در چهار پیاده‌راه انتخابی شهر تبریز مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.

یافته‌ها

در گام اول پژوهش و در فاز کیفی، به بررسی ادبیات موضوع در خصوص طراحی شهری و فضاهای شهری و تصویر ذهنی پرداخته

واقعی ارتباط دارد ولی همانند آن نیست. البته در این میان مهارت در تصویرسازی در تبدیل الگوی ذهنی به نقاشی نیز مطرح است. ممکن است بازدیدکنندگان به دلیل ناتوانی در ترسیم منظور خود را به درستی نشان ندهند که موجب تفسیر نادرست از نقاشی وی می‌شود. گفتنی است که نقاشی‌های بازدیدکنندگان متعلق به فرهنگ‌های مختلف از دیدگاه جزییات ترسیمی متفاوت است، ولی با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تفسیر نقاشی‌های بازدیدکنندگان، آشکار است که با نگاهی به ترسیم‌های آنها می‌توان به موضوعاتی مشترک پی برد. البته همراه با رشد بازدیدکنندگان، تمایز میان جنسیت در ترسیم‌ها مبتنی بر بازنمایی‌های نمادین و نقاط مرجع بارزتر می‌شود. در بیشتر موارد می‌توان نقاشی بازدیدکنندگان را بر پایه تشابه فیزیکی با واقعیت بیرونی آن تفسیر کرد ولی موضوعات دیگری نیز می‌تواند از ترسیم‌ها برداشت شود. برای نمونه اغراق در ترسیم برخی عناصر نشان‌دهنده این است که بازدیدکننده به آنها بیشتر توجه می‌کند و از اهمیت بالایی برای او برخوردار است. جنبه‌های احساسی و هیجانی نیز در تفسیر نقاشی‌ها نقش گسترده‌ای دارند که شامل این پژوهش نمی‌شود. در این پژوهش به شاخص‌های طبیعی بودن، نحوه نگهداری، دلباز بودن، ارزش معماری و نظم‌داشتن توجه شده است. همچنین شاخص‌های فضاهای شهری به عنوان محیط پیرامونی بازدیدکنندگان شامل نور، دما، صدا، هوا، سطوح، مبلمان و رنگ، مورد تاکید واقع شده‌اند.

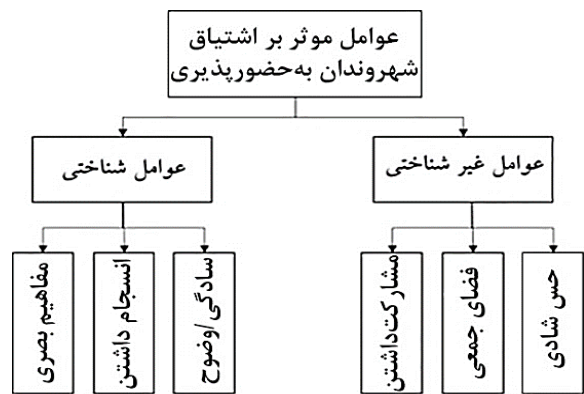
روش‌شناسی

پژوهش حاضر از جنبه هدف کاربردی بوده و در سال ۱۴۰۲ در چهار گذر شهر تبریز به انجام رسید. گذرهای مورد بررسی در این تحقیق شامل گذرهای تربیت، ولیعصر، فردوس و شهریار بوده که بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان پیاده‌راه‌های شهر تبریز انتخاب شدند. این پژوهش به دنبال کشف مدل طراحی شهری مبتنی بر مولفه‌های تصویر ذهنی ارزیابانه است.

به لحاظ روش‌شناسی در این پژوهش از طرح همسوسازی در ذیل پژوهش‌های ترکیبی استفاده شد. چهار نوع طرح اصلی روش‌های ترکیبی عبارتند از: طرح همسوسازی (مثلث‌سازی)، طرح تودرتو (لانه‌کردن)، طرح تبیینی و طرح اکتشافی. هدف از طرح همسوسازی به‌دست‌آوردن داده‌هایی متفاوت اما مکمل درمورد یک مساله است تا بتوان مساله پژوهشی را کاملاً درک کرد. از این طرح زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر می‌خواهد به صورت مستقیم نتایج آماری کمی را با یافته‌های کیفی مقایسه یا مقابله نماید و یا با داده‌های کیفی نتایج کمی را بسط داده و یا روسازی نماید.

در این پژوهش با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه، از استراتژی پس‌کاوی استفاده شد. استراتژی پژوهش پس‌کاوی که بر اساس یک منطق چرخشی و یا دورانی به وجود آمده است، با یک نظم مشاهده شده آغاز می‌شود، اما در پی نوع متفاوتی از تبیین است. این امر با پیدا کردن ساختارها یا مکانیسم‌های واقعی زیربنایی که عامل خلق یک نظم مشاهده شده هستند، به‌دست می‌آید [Blaikie, 2009].

با ارکان فضا به عنوان عناصر مهم فضایی قابل بحث است. بنابراین با توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه که تاثیر محیط و سازوکارهای مربوط به آن نقشی غیرقابل انکار در حضورپذیری شهروندان دارد و همچنین با در نظر گرفتن محور مطالعات در این پژوهش، به بررسی مولفه‌های کالبدی که می‌تواند بر تصویر ذهنی خوب ایشان موثر باشد، پرداخته شد (جدول ۱).



شکل ۱) عوامل تاثیرگذار کلی بر اشتیاق شهروندان به حضور در محیط شهری

شد. بررسی نظریه‌ها در خصوص تصویر ذهنی ارزیابانه نشان داد که تصویر ذهنی با رضایت‌مندی شهروندان آغاز می‌شود. رضایت‌مندی شهروندان شامل دو مولفه است: اول زمانی که شهروندان وارد محیط شده و در آن وقت می‌گذرانند و تلاشی که در این زمینه‌ها می‌کنند؛ و دوم راه‌هایی که ایشان زمان خود را به محیط اختصاص می‌دهند و فرصت‌های حضورپذیری که سازمان‌دهی کرده و ایشان را برمی‌انگیزد تا در فعالیت‌های محیطی مشارکت کنند و از آنها سود ببرند. عوامل بسیاری در اشتیاق شهروندان برای حضورپذیری سهیم هستند که برخی از آنها شناختی و بقیه غیرشناختی هستند (شکل ۱).

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر هر دو عامل شناختی و غیرشناختی بر حضورپذیری شهروندان است. لیکن بررسی پیشینه موضوع مشخص کرد که مطالعه در خصوص تصویر ذهنی و تاثیر مولفه‌های آن بر حضورپذیری بسیار کم‌رنگ بوده است. فضاهای شهری مهم‌ترین سازمان غیررسمی و موثر در حس شادی و مشارکت‌داشتن است و به عنوان مولفه مهم و موثر بر حضورپذیری در فضای جمعی شناخته می‌شود. از این رو، مولفه‌هایی مثل ادراک و نگرش شهروندان به آنها، فضا و موقعیت قرارگیری، ارتباط ایشان

جدول ۱) مولفه‌های حضورپذیری موثر بر تصویر ذهنی ارزیابانه

پژوهشگر	مولفه‌های اشتیاق به حضور در فضاهای شهری
فین [Finn, 1998]	الف) رفتاری (مشارکت): شرکت در فعالیت‌های جمعی ب) عاطفی (شناسایی): احساس تعلق به فضاهای شهری
اوداس و ویلیامز [Audas & Williams, 2001]	الف) رفتاری: شرکت در فعالیت‌های جمعی ب) روان‌شناختی: شامل جنبه‌هایی مانند احساس تعلق، روابط با سایرین و ارزش‌نهادن به محیط شهری
ویلمز [Willms, 2003]	الف) رفتاری: شرکت در فعالیت‌های جمعی و فوق‌برنامه ب) روان‌شناختی: حس دل‌بستگی و یا تعلق به محیط
فردریکس [Fredricks et al., 2004]	الف) رفتاری: به عنوان مثال مشارکت شهروندان در فعالیت‌های گروهی ب) عاطفی: به عنوان مثال واکنش‌های مثبت و منفی شهروندان نسبت به سایرین ج) شناختی: به عنوان مثال اندیشه و گرایش‌های شهروندان به انجام مهارت‌های دشوار
جیمرسون و همکاران [Jimerson et al., 2003]	الف) عاطفی: احساسات شهروندان نسبت به سایر افراد ب) رفتاری: شامل عملکرد قابل مشاهده و عمل شهروندان در محیط شهری ج) شناختی: شامل اعتقادات و ادراکات مربوط به خود، نهادها و سازمان‌های محیطی
شافلای و همکاران [Schaufeli et al., 2002]	الف) نیرومندی: تداوم، انعطاف‌پذیری و تلاش در مواجهه با مشکلات ب) جذب: مشارکت در فعالیت‌های یادگیری ج) وقف خود: گرایش، غرور و شور و شوق در حضورپذیری
اپلتون و همکاران [Appleton et al., 2012]	الف) رفتاری: به عنوان مثال مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه ب) روان‌شناختی: به عنوان مثال داشتن حس تعلق یا تطبیق و داشتن ارتباط با سایر شهروندان ج) شناختی: به عنوان مثال یادگیری خودتنظیمی، ارزش‌نهادن به دیگران، استقلال و اهداف شخصی

صورت مستقیم و از طریق مشاهدات و بررسی‌های میدانی اندازه‌گیری می‌شود (جدول ۲).

برای شناسایی مولفه‌های بااهمیت کالبدی موثر بر حضورپذیری، به بررسی ادبیات پژوهش در خصوص مولفه‌های کالبدی محیط و تاثیر آنها بر انگیزه و اشتیاق حضورپذیری پرداخته شد. در مرحله بعدی نیز این معیارها باهم تجمیع و در دسته‌بندی‌های جامع قرار گرفتند و در نهایت با توجه به فراوانی نظر خبرگان، مهم‌ترین عامل‌ها مشخص شدند (شکل ۲).

در مرحله بعدی پژوهش به بررسی مولفه‌های رضایت‌مندی از فضاهای شهری پرداخته شد. رضایت‌مندی محیطی شامل ارزیابی ذهنی کیفیت و ویژگی‌های عینی یک محیط معین است و نشان‌دهنده آن است که یک محیط خاص تا چه اندازه انتظارات و نیازهای ساکنان را برآورده می‌کند.

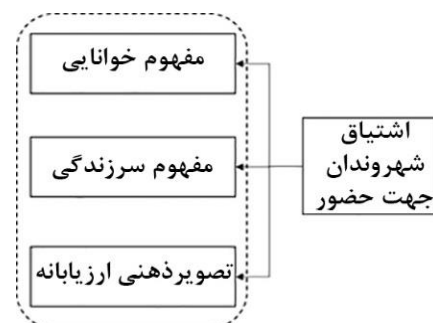
معیارهای عینی (کمی) ویژگی‌هایی هستند که علاوه بر قابل مشاهده‌بودن، ملموس‌تر بوده و قابل اندازه‌گیری هستند. همچنین درک و انتظارات مشابهی از آنها در بین افراد وجود دارد و معمولاً به

تکنیک	توضیحات
آسایش کالبدی	موضوع رضایت و ارزیابی محیط از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. ارزیابی‌های محیطی از دو جنبه انسان و محیط مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین ابعاد کیفی محیط، به عنوان یکی از بخش‌های رابطه انسان و محیط و همچنین رضایت از محیط در نظر گرفته می‌شود. تسهیلات فیزیکی تأثیری اساسی بر عملکرد شهروندان و اثربخشی عملکردهای شهری دارد [Rafiian & Khodae, 2010]. دما: شرایط حرارتی می‌تواند سلامت کاربران را تحت تأثیر قرار دهد و شرایط نامطلوب می‌تواند باعث بی‌تفاوتی و حتی استرس شود [Azzi et al., 2007; Kamelnia, 2010]. تهویه: هوای مطبوع نیز برای جلوگیری از خستگی کاربر مورد نیاز است [Azzi et al., 2007]. صدا: یک مشکل شایع در فضاهای شهری، واقع‌شدن در نزدیکی ترافیک مسیره‌های شلوغ است. سروصدا بر فهم و ارتباط کلامی تأثیر می‌گذارد [Azzi et al., 2007]. ابعاد: بارکر، موسس روان‌شناسی اکولوژیک عقیده دارد بین ابعاد فیزیکی طراحی شهری و رفتاری در قرارگاه‌های فیزیکی رابطه معناداری وجود دارد [Barker, 1969].
احساس تعلق‌داشتن به فضا	از مهم‌ترین نیازها به‌شمار می‌رود. از راهکارهای موثر در راستای بالا بردن حس تعلق، استفاده از عناصری است که از لحاظ طراحی شهری به شهروندان احساس در خانه بودن را القا کنند [Kamelnia, 2010]. سیمای بصری: پیرو بخشی از استراتژی بازاری، پیاده‌راه‌ها یک ظاهر شیک و امروزی (مدرن) را بر تن دارند. این ظاهر در بسیاری از موارد منجر به ایجاد یک حجم بزرگ موسسه‌ای، یکنواخت ساخته‌شده، سترون و یک ساختمان باشخصیت رسمی می‌شود [Day, 2007]. فضای شخصی: تحقیقات نشان داده که مرزهای روان‌شناسانه شخصی همراه با مکان، رفتارهای ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هویت و شناسه مکان به طور موثری با رفتارهای پاسخ‌گویی محیطی، همکاری و تعامل دارد [Vaske & Kobrin, 2001]. نیاز به شخصی‌سازی محیط یک ویژگی ذاتی انسان است که منجر به ریشه‌دار شدن می‌شود [Khan & Kotharkar, 2012]. مقیاس: محیط شهری بدون مقیاس صمیمانه و خودمانی هرگز نمی‌تواند احساس خوشامدگویی داشته باشد. مقیاس بر توانایی راحت بودن و در نتیجه معاشرت‌پذیری تأثیر می‌گذارد. در فضاهای بزرگ شهروندان سریعاً احساس گم‌شدگی و در نتیجه بی‌پناه بودن می‌کنند [Day, 2007]. دخالت در فضا: فلسفه طراحی شهری جدید بر این اساس استوار است که هر اندازه مصرف‌کننده فضای شهری در تولید و یا شکل‌دهی آن دخالت داشته و در پیدایش آن فضا مشارکت نموده باشد، علاقه‌مندی وی به آن و نیز درجه مشارکت او در فعالیت‌های درون آن فضا بیشتر می‌شود [Azemati et al., 2012].
جذابیت	یک محیط با تنوع زیاد سرشار از شگفتی‌ها است. در حالی که چالش برای شهروندان یک فرصت برای احساس پیشرفت فراهم می‌کند و پیچیدگی که احساس رازآمیز را القا می‌کند. زیبایی‌ها و نقوش مناسب فضاهای شهری یک نقش محوری را در محیط یادگیری ایفا می‌کنند. طبیعت با ایجاد یک لذت بصری استرس را کاهش می‌دهد و در نهایت احساس مثبتی ایجاد می‌کند که اندیشه‌های منفی را محدود می‌نماید [Hartig et al., 2003]. استفاده از رنگ‌ها، چینش جاها و الگوهای مناسب و جذاب برای پوشش کف‌ها و دیوارها [Zamani & Nasre Isfahani, 2009].
ادراک محیطی	ادراک محیطی اساس رضایت‌مندی از کیفیت محیط است. ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را براساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند [Motalebi, 2002]. ادراک فضایی و خوانایی احساس راحتی را در کاربران افزایش می‌دهد [Lynch, 2016]. عرصه‌بندی و تفکیک بخش سواره و پیاده در عرصه‌های شهری باعث آرامش شهروندان می‌شود [Khan & Kotharkar, 2012]. از شرایط دلپذیری محیط تامین وضوح و خوانایی است [Kamelnia, 2010].
امنیت روانی	امنیت نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مولفه‌های فعال محیط به‌دست می‌آید. تصویر خوب از محیط به شهروند نوعی آرامش و احساس امنیت می‌دهد. او می‌تواند رابطه‌ای موزون بین خود و جهان خارج به وجود آورد. این درست برخلاف احساس ترسی است که هنگام گم‌کردن راه و جهت به او دست می‌دهد. سلسله‌مراتب و فضای قابل دفاع، جنبه پشتیبانی و حمایتی دارند. این دو با هم آرام‌آرام به کاربر یک احساس تحت محافظت‌بودن را می‌دهند که منجر به احساس امنیت و آرامش می‌شود [Berman, 1996].

سوال واقع شد. نظرات شهروندان در قالب ۳۰ سوال از ایشان پرسیده شده و از دل آنها مولفه‌های طراحی شهری طبیعت، صوت، نور و رنگ و تزئینات و مولفه‌های ذهنی انعطاف‌پذیری، خوانایی، آسایش محیطی، تناسبات و دید و منظر مورد سوال واقع شد. هرکدام از این دو دسته مولفه‌های طراحی شهری در اذهان ایشان با رویکرد مولفه‌های حضورپذیری مشتمل بر مفهوم خوانایی، مفهوم سرزندگی و تصویر ذهنی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت.

براساس یافته‌های آزمون همبستگی پیرسون، ارتباط مثبت و معنادار بین مولفه‌های طراحی شهری (طبیعت، صوت، نور، رنگ و تزئینات) با مولفه‌های خوانایی، سرزندگی و تصویر ذهنی از دید شهروندان در پیاده‌راه‌های مورد مطالعه تأیید شد (جدول ۳).

همچنین، ارتباط بین مولفه‌های ذهنی (انعطاف‌پذیری، خوانایی، آسایش محیطی، تناسبات و دید و منظر) با مولفه‌های خوانایی،



شکل ۲) مولفه‌های اشتیاق شهروندان در محیط شهری

تجزیه و تحلیل کمی

شهروندان و رهگذران از دوره‌های زمانی مختلف انتخاب شده و مولفه‌های خوانایی، سرزندگی و تصویر ذهنی ارزیابانه و همچنین مولفه‌های محیطی از دو بُعد ذهنی و طراحی شهری از ایشان مورد

تمامی مولفه‌ها در دامنه +۲ تا -۲ به دست آمد، می‌توانیم نتیجه بگیریم که تمامی مولفه‌ها از توزیع نرمال یا نزدیک به نرمال برخوردار بودند. در مجموع از آزمون‌های کولموگوروف-اسمیرنوف و مقادیر کجی و کشیدگی نتیجه گرفته شد که می‌توان توزیع تمامی مولفه‌ها را نرمال یا تقریباً نرمال در نظر گرفت و از آزمون‌های پارامتریک (مانند همبستگی پیرسون) استفاده کرد. همان‌طور که از نتایج یافته‌های پژوهش طبق نظر شهروندان برمی‌آید، هرکدام از مولفه‌های طراحی شهری و ذهنی در قبال سایر مولفه‌ها تایید شدند؛ اما درصد و تفاسیر مختلفی داشتند که در ذیل به تفکیک مورد بحث و تفسیر قرار می‌گیرند. این تفاسیر به صورت تجمیعی از نظرات شهروندان تامین شده، بنابراین تفکیکی در اینجا میان فضاهای شهری صورت نگرفته و تفسیر کلی صورت می‌پذیرد.

مولفه طراحی شهری طبیعت

نتایج نشان داد که هرچه میزان مدرک تحصیلی شهروندان بیشتر باشد بیشتر به مولفه طبیعت اهمیت می‌دادند. این همگرایی حدود ۹۵٪ و آماره کای اسکور آن حدود ۰/۹۲ ارزیابی شد و نزدیکی آن به یک حاکی از بلابودن میزان تخمین‌های مربوطه به اهمیت این مولفه محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، میزان سابقه سکونت شهروندان نیز در این شاخص بی‌ربط نبوده و به میزان ۰/۷۵ این مقوله را تایید کرد؛ اما آماره کای اسکور آن حدود ۰/۵۲ بود و نشان از متوسط بودن این آماره داشت. بنابراین مولفه طراحی شهری طبیعت می‌تواند از اهمیت متعادلی در زمینه سابقه سکونت شهروندان برخوردار باشد.

مولفه طراحی شهری صوت

بر اساس یافته‌های پژوهش، شهروندان زن نسبت به شهروندان مرد به مولفه صوت واکنش بیشتری نشان دادند و میزان همگرایی این آماره دارای نسبت ۸۲٪ به ۶۷٪ بود، بر همین تصور آماره کای اسکور تاثیر صوت از منظر شهروندان زن را می‌توان در حدود ۰/۷۸ برشمرد اما این عدد برای شهروندان مرد ۰/۴۲ بود که نشان از اختلاف معنادار میان نظرات ایشان پیرامون حساسیت به صوت و تاثیر آن بر حضورپذیری شهروندان از منظر ایشان داشت. اما نکته‌ای که واضح بود تاثیر متوسط به بالای این عامل در میزان حضورپذیری شهروندان است که از برآیند نظرات ایشان به دست می‌آید.

مولفه طراحی شهری نور

نکته‌ای بسیار حایز توجه از مقایسه نظرات شهروندان نیمه اول سال ۱۴۰۱ با نیمه دوم سال ۱۴۰۱ به دست آمد که نشان داد میزان حساسیت به این عامل نزد شهروندان در نیمه اول سال بیشتر بود؛ اما این تفاوت خیلی محسوس نبود. نسبت نظرات نیمه اول به نیمه دوم سال ۸۰٪ به ۷۴٪ بود که البته در کای اسکور این اعداد به صورت ۰/۶۴ و ۰/۵۶ تبیین می‌شد و می‌توان اختلاف تاثیر متوسط تا تاثیر زیاد مولفه نور در میزان حضورپذیری شهروندان را برآورد نمود. در سایر موارد نظرات حاکی از تایید این مولفه به صورت برابر با سایر مولفه‌ها بود.

مولفه طراحی شهری رنگ و تزیینات

بر اساس نظرات مربوط به شهروندان، در صورتی که دو شاخص مدرک تحصیلی و جنسیت پاسخ‌دهندگان را لحاظ کنیم به این مهم دست

سرزندگی و تصویر ذهنی از دید شهروندان در پیاده‌راه‌های مورد مطالعه تایید شد (جدول ۳).

جدول ۳) ضریب همبستگی پیرسون بین مولفه طراحی شهری و مولفه خوانایی

مولفه محیطی	مولفه حضورپذیری	همبستگی پیرسون	Sig
طراحی شهری (طبیعت، نور و رنگ و تزیینات)	خوانایی	۰/۷۹۲	۰/۰۱
	سرزندگی	۰/۷۴۸	۰/۰۰۱
ذهنی (انعطاف‌پذیری، خوانایی، آسایش محیطی، سرزندگی، تناسبات و دید و منظر)	خوانایی	۰/۷۸۴	۰/۰۱
	تصویر ذهنی	۰/۸۰۴	۰/۰۰۲

جدول ۴) مقادیر کجی و کشیدگی و آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای ارزیابی نرمال بودن مولفه‌های اصلی

مولفه	کولموگوروف-اسمیرنوف	کجی	کشیدگی
طراحی شهری (طبیعت، صوت، نور، رنگ و تزیینات)	طبیعت	۰/۹۱۴	۱/۲۳۰
	صوت	۰/۸۵۱	۰/۰۰۷
	نور	۰/۸۳۳	۰/۶۹۶
	رنگ و تزیینات	۰/۵۲۶	-۱/۳۱۲
ذهنی (انعطاف‌پذیری، خوانایی، آسایش محیطی، تناسبات، دید و منظر)	انعطاف‌پذیری	۰/۵۱۲	۰/۴۵۵
	خوانایی	۰/۶۱۵	۰/۲۳۰
	آسایش محیطی	۰/۳۹۵	-۰/۰۴۵
	تناسبات	۰/۴۶۵	-۰/۰۳۶
تجمیعی	۰/۱۱۲	۰/۶۰۷	۰/۷۹۰

از آزمون آماری کولموگوروف-اسمیرنوف و شاخص‌های کجی و کشیدگی برای تعیین وضعیت توزیع داده‌ها (نرمال بودن) استفاده شد (جدول ۴). آزمون نرمال بودن، با ایجاد یک نمودار احتمال نرمال بودن (به شکل زنگوله و نیز متقارن نسبت به میانگین)، به آزمون این فرض می‌پردازد که آیا مشاهدات پژوهش از توزیع نرمال تبعیت می‌کنند یا خیر. اهمیت آشنایی و سنجش نرمال بودن توزیع داده‌ها در این است که برخی از روش‌های آماری مانند همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل واریانس بر فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها (در جامعه) استوارند. همچنین برآورد پارامتر جمعیت نیز با اتکا به نرمال بودن توزیع متغیر در جمعیت صورت می‌گیرد. آزمون‌های آماری کولموگوروف-اسمیرنوف و آزمون شاپیرو-ویلک برای سنجش نرمال بودن به کار می‌روند. چنانچه سطح معنی‌داری به دست آمده برای هر مولفه بیشتر از مقدار ۰/۰۵ باشد، نتیجه می‌گیریم که توزیع آن مولفه نرمال بوده و در نتیجه مشکلی برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود ندارد. در مورد کجی و کشیدگی، چنانچه مقادیر این آماره‌ها بین -۲ و +۲ باشد، نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع تک مولفه‌ای است.

نتایج به دست آمده از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف نشان داد که تمامی مولفه‌های پژوهش از توزیع نرمال برخوردار بودند. سطح معنی‌داری آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای تمامی مولفه‌های پژوهش بیشتر از مقدار ۰/۰۵ به دست آمد ($p > 0.05$) که نشان از نرمال بودن مولفه‌ها دارد. بررسی مقادیر کجی و کشیدگی نشان می‌دهد با توجه به اینکه مقادیر کجی و همچنین مقادیر کشیدگی

همگرایی ۷۰٪ معرفی شد و کای اسکور ۴۹٪ نیز مبین تاثیر کاملاً متوسط این شاخص بود. شهروندان زن با اینکه به نظر می‌رسید باید به این شاخص بیشتر امتیاز دهند اما با تاب‌آوری نشان دادند که در فضاهای شهری اهمیت زیادی به موضوع تناسبات و اندازه‌ها نمی‌دهند.

مولفه ذهنی دید و منظر

مولفه دید و منظر اهمیت چندانی برای شهروندان در زمینه تاثیر بر حضورپذیری ایشان نداشت و این موضوع از همگرایی ۵۸٪ نتیجه‌گیری می‌شود. ضریب کای اسکور نیز برای آنها که به صورت کاملاً برابر و بدون اختلاف معنادار رای دادند، بیانگر میزان ۳۴٪ بود که حدود یک سوم شاخص بود و این یعنی این مولفه اهمیت و میزان تاثیر کمی بر حضورپذیری داشت، البته همچنان این تاثیر تایید شده و نمی‌توان در ماهیت آن تردیدی داشت اما میزان این اثرگذاری در حدی نبود که تعیین‌کننده باشد.

بررسی برازش مدل

در جدول ۵ شاخص‌های برازش مدل ارایه شده است. شاخص GOF در مدل PLS راه حل عملی برای رفع مشکل بررسی برازش کلی مدل بوده و همانند شاخص‌های برازش در روش‌های مبتنی بر کوواریانس عمل می‌کند و از آن می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به صورت کلی استفاده کرد. این شاخص نیز همانند شاخص‌های برازش مدل لیزر عمل می‌کند و بین صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. چنانچه شاخص کلی برازش مقدار بیشتر از ۳۶٪ به معنای این است که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است.

جدول ۵) شاخص‌های برازش مدل

متغیر	تاثیر محیط کالبدی بر اشتیاق شهروندان به حضورپذیری
شاخص اندازه تاثیر f2	۰/۴۶
شاخص ضریب تعیین R2	۰/۸۵
شاخص اعتبار افزونگی Q2	۰/۴۷
شاخص کلی برازش GOF	۰/۴۴

طبق نتایج، ضریب تعیین برای متغیر وابسته اشتیاق شهروندان برابر با ۸۵٪ بود که مقدار مطلوب و مورد تاییدی است و نشان می‌دهد محیط کالبدی توانسته است میزان بالایی از تغییرات فضای مادی، فضای ذهنی و فضای نمادین را تبیین کند. ضریب تعیین به‌دست‌آمده نشان داد که حضورپذیری حدود ۸۵٪ از واریانس کیفیت مطلوب زندگی را تبیین می‌کند.

بحث

پژوهش حاضر در پی آن بوده که عوامل و معیارهای موثر بر ارتقای ادراک و تصویر ذهنی شهروندان از فضای شهری را شناسایی کند. در این تحقیق متغیرهای متعددی وجود دارد که شامل مولفه‌های تصویر ذهنی ارزیابانه و مولفه‌های رضایت‌مندی می‌شود. مولفه‌های رضایت‌مندی خود به دو دسته ذهنی و طراحی شهری قابل

می‌یابیم که در صورتی که همزمان این دو عامل به صورت مدرک تحصیلی بالاتر و جنسیت مونث پاسخ‌دهندگان پیش رود، نتیجه به صورت حیرت‌انگیزی موثر خواهد بود و میزان ۹۶٪ برای آن ثبت شد و کای اسکور آن نیز حدود ۹۴٪ بود که نزدیکی زیادی به یک داشت. اما اگر مدرک تحصیلی شهروندان را معادل کارشناسی و جنسیت را مرد در نظر بگیریم این عامل تنها ۶۰٪ به خود اختصاص داده و با کای اسکور ۳۶٪ تنها به تاثیر کم این شاخص در میزان حضورپذیری شهروندان اشاره داشت.

مولفه ذهنی انعطاف‌پذیری

براساس یافته‌های پرسش‌نامه، تفاوتی میان پاسخ‌دهندگان در این شاخص وجود نداشته و به صورت تجمعی می‌توان گفت حدود ۷۲٪ به تاثیر این شاخص رای دادند و میزان کای اسکور آن نیز حدود ۵٪ بود. این بدان معناست که این مولفه تاثیر خوبی بر حضورپذیری، به‌خصوص در ابعاد خانایی، سرزندگی و تصویر ذهنی داشت، اما این تاثیر توسط تمام شهروندان به یک میزان مورد اشاره واقع شد. ذکر این موضوع خالی از لطف نیست که بسیاری از پاسخ‌دهندگان در ارزیابی پرسش‌نامه به این موضوع اشاره داشتند که انعطاف‌پذیری توسط ایشان به‌خوبی مورد شناخت قرار نگرفته و متوجه منظور دقیق محقق نشده و به توضیحات نیاز داشتند.

مولفه ذهنی خانایی

در زمینه خانایی، سابقه سکونت تاثیر زیادی در پاسخ‌ها داشته و این تاثیر در حدی بود که افراد با سابقه سکونت بالا با همگرایی ۹۴٪ و کای اسکور ۸۵٪ این موضوع را تایید کردند؛ اما افرادی که سابقه سکونت کمتر از ۱۰ یا حتی ۵ سال داشتند این تاثیر را تنها در حد ۵۶٪ ارزیابی کرده و کای اسکور ۲۸٪ آنها نشان از اهمیت کم این مولفه در میزان حضورپذیری شهروندان داشت. البته با توجه به اینکه تعداد پاسخ‌دهندگان با سابقه کم، بسیار کمتر از شهروندان با سابقه بیشتر بود در مجموع این شاخص نیز با درصد بسیار بالای ۸۷٪ مورد تایید قرار گرفت؛ اما ممکن بود نتیجه دیگری نیز رقم بخورد.

مولفه ذهنی آسایش محیطی

آسایش محیطی توسط بیشتر افراد مورد اشاره واقع شد. اما نکته حایز توجه اشاره شهروندانی به این موضوع بود که از مدرک پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. این موضوع تا جایی پیش رفت که می‌توان شهروندان با مدرک کارشناسی را در حدود ۸۹٪ با ضریب کای اسکور ۸٪ معرفی کرد؛ اما شهروندانی که کارشناسی ارشد داشتند به این شاخص در حدود ۸۰٪ رای دادند و میزان آن ضریب برای ایشان ۶۵٪ بود. بنابراین، می‌توان اینگونه ارزیابی نمود که شهروندانی که مدرک بالاتری اخذ کرده‌اند کمتر به موضوع آسایش محیطی در زمینه افزایش حضورپذیری اشاره داشتند.

مولفه ذهنی تناسبات

مولفه تناسبات نزد شهروندان مرد از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و حدود ۸۲٪ به آن رای دادند و میزان ضریب کای اسکور ایشان ۶۵٪ بود و این یعنی تاثیر زیادی را برای مولفه تناسبات بر حضورپذیری شهروندان قایل بودند. اما در مورد شهروندان زن این تاثیر با

همچون یک پارک در محله، اگر در طراحی آن تشویق به تعامل در نظر گرفته شود، می‌تواند مقاصد بهتری را دنبال کند. در مقابل، بعضی دیگر همچون مکان‌هایی برای انتظار، ممکن است با عدم تشویق به ایجاد تعامل در طراحی بهتر عمل کنند. دیگر شخصیت‌ها همچون سطح صمیمیت، محرمت، خوانایی، سادگی و انطباق‌پذیری می‌تواند بر عملکرد مکان‌ها موثر باشد. دستاوردهای عملکرد رضایت‌بخش مکان به حال و هوای آن مکان بستگی دارد. یادگیری درباره نحوه طراحی ویژگی‌های بصری بر عملکردهای اجتماعی و روان‌شناسانه متنوع، همچون مواردی که در قبل بحث شد، موثر خواهد بود، حتی می‌توان به صورت تجربی ارتباط بین ویژگی‌های بصری ویژه و اهداف عملیاتی اجتماعی و روان‌شناسانه را مطالعه نمود. در این مورد می‌توان از نحوه تأثیر ویژگی‌های بصری بر عملکرد، که توسط ویلیام وایت [Whyte, 1980] در پارک پالی انجام شده است نام برد. این پارک دارای یک ورودی رسمی بوده که آن را از خیابان و همسایگی‌هایش جدا می‌کند، اما به خاطر خودمانی‌بودن و انطباق با محیط پیرامون خود درک شده و ساختار سازمان‌دهنده (ورودی تعریف‌شده، دست‌فروشان اغذیه کنار ورودی، فضاهای نشستن و آبشار در پشت آن) و ظاهر ساده و تعریف شده‌اش آن را خوانا نموده است. با وجود اینکه پارک پالی پذیرای فعالیت‌های متنوعی بوده است، اما می‌توان حال و هوای مناسب برای انجام فعالیت‌های رضایت‌بخش را به جنبه رضایت‌بخش بودن آن افزود.

ارتقای حضورپذیری در شهروندان به ترتیب با سه بُعد تصویر ذهنی، مفهوم خوانایی و مفهوم سرزندگی مرتبط است. انجام ملاحظاتی که در این تحقیق بدان اشاره شد و نیز رعایت اولویت‌های آنها می‌تواند منجر به ارتقای مفاهیم تصویر ذهنی، خوانایی و سرزندگی و در نهایت ارتقای حضورپذیری ایشان شود. در مجموع می‌توان گذر تربیت را به عنوان موفق‌ترین پیاده‌گذر در شهر تبریز به دلیل حضورپذیری بی‌نظیر آن توصیف کرد، پس از آن گذر ولیعصر با احساسات خوبی که به دست می‌دهد، گذر موفق دیگر تبریز لقب می‌گیرد. در نمونه گذر فردوس می‌توان به نقش مکمل آن در کنار مجموعه تفرجگاهی بزرگ تبریز و احساسات خوب آن اشاره داشت و آن را نیز خوب ارزیابی کرد، همچنین گذر شهریار نیز اینگونه است و مکملی برای بازار بزرگ تبریز به لحاظ فضای ورودی مذهبی-دروازه‌ای بودن محسوب می‌شد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به محدودیت زمانی و مالی برای گسترش نمونه‌های مورد بررسی و نیز تعداد گذرها اشاره کرد. گسترش مقیاس بررسی در راستای افزایش دقت گزارش و نیز ارجاع پذیری آن و همچنین شناخت موانع و راهکارها برای ارتقای تصاویر ذهنی رهگذران حایز اهمیت است.

نتیجه‌گیری

در مجموع پیاده‌گذرهای شهر تبریز هم برای زنان و هم برای مردان مثبت ارزیابی شد، ولی زنان به دلیل پررنگ‌تر جلوه‌دادن حضورپذیری، تأثیر بیشتری از گذرها پذیرفته و برایشان جذاب‌تر بوده است.

تقسیم‌بندی هستند و متغیرهای حضورپذیری به متغیرهای خوانایی، سرزندگی و تصویر ذهنی تفکیک شدند.

براساس یافته‌ها، مهم‌ترین تأثیر در بین مولفه‌های ذهنی در میزان حضورپذیری شهروندان مربوط به بُعد تناسبات (۰/۸۹) و در بین مولفه‌های طراحی شهری به بُعد طبیعت (۰/۸۷) بود. در زمینه حضورپذیری نیز به ترتیب مولفه‌های تصویر ذهنی در جایگاه نخست و پس از آن به ترتیب مولفه‌های خوانایی و سرزندگی قرار داشتند. بنابراین در اولویت‌بندی، به این مهم دست یافتیم که می‌توان اقدام اول را به دستکاری ماهرانه در مولفه‌های تناسبات و طبیعت و اثرگذاری آنها در ارتقای تصویر ذهنی اختصاص داد که به ترتیب برابر ۰/۹۱ و ۰/۸۸ بودند و به همین منوال سایر اولویت اقدام‌ها را استخراج کرده و دسته‌بندی نمود. در زمینه افزایش زمینه‌های حضورپذیری، بُعد تصویر ذهنی (۰/۹۳) با اولویت اول، مفهوم خوانایی (۰/۸۷) با اولویت دوم و در آخر مفهوم سرزندگی (۰/۷۵) با اولویت سوم تشخیص داده شدند. در مواجهه با ارزش‌های عمومی، ارتقای تصویر ذهنی ارزیابانه می‌تواند مکان‌ها را با مقاصد انسانی سازگارتر نماید. آنها می‌توانند بر هویت، سلامت و وضعیت خوب شهروندان موثر باشند. شکل ظاهری می‌تواند بر عملکرد نیز موثر باشد. تصویر ذهنی ما یا دانش ذهنی ما از وقایع و ارزش‌ها، بر رفتارمان موثر است. اگر ما مکانی را بهتر یا رغبت‌انگیزتر نسبت به دیگر مکان‌ها ارزش‌گذاری نماییم، طبیعتاً برای رفتن به آنجا تمایل بیشتری خواهیم داشت. شکل‌های ظاهری متنوع بیانگر معانی مختلف در فعالیت‌ها است و ارزش‌های مختلف می‌تواند با مقاصد مختلف منطبق باشد. به طور مثال، مردم هیجان را برای مقاصد تفریحی ارزش‌گذاری می‌نمایند، در صورتی که برای مقاصد درمانی نیازی به هیجان نمی‌بینند. در ادامه، ممکن است آنها به حال و هوای فضا ارجح نهند. برای تعدادی از ساکنان شکل ظاهری بامنزله می‌تواند اهمیت داشته باشد و برای دیگران شاید این طور نباشد. مردم می‌توانند برای مکان‌های عمومی مشخصی که ایجاد حال و هوای صمیمی و استقبال‌کننده دارند، ارزش قایل شوند. شخصیت بصری می‌تواند بر معانی مستتر در عملکردهای رفتاری، موثر واقع شود. منطبق با این یافته، وحدت و سجادزاده [Vahdat & Sajadzadeh, 2016] عناصر و شاخص‌های مولفه کالبدی و پس از آن مولفه‌های اجتماعی، معنایی و محیطی را به عنوان مهم‌ترین عوامل در حضورپذیری شهروندان قید کرده‌اند. خاک‌زند و همکاران [Khakzand et al., 2014] بر ارتباط معنی‌دار بین مولفه‌های تأثیرگذاری، وحدت، هماهنگی، دل‌بستگی به مکان، تنوع و جذابیت در طراحی سیمای شهری با ادراک‌پذیری شهروندان تأکید کرده‌اند. همچنین، طبق یافته مونتاگو [Montague, 2015] عناصر هنری و گرافیک متمرکز بر مولفه‌های ذهنی مستقر در فضای شهری می‌تواند مردم را جذب نموده و با حضور شهروندان، اجتماع را در فضا بسازد و سرزندگی و هویت محلی فضاهای شهری را تضمین نماید.

مکان‌های مختلف دارای مقاصد گوناگونی هستند، که در عوض مستلزم شخصیت‌های محیطی متنوعی نیز می‌شوند. بعضی مکان‌ها

[Persian]

- Khakzad M, Mohammadi M, Jam F, Aghabozorgi K (2014). Identification of factors influencing urban facade's design with an emphasis on aesthetics and ecological dimensions Case study: Valiasr (a.s.) Street – Free Region of Qeshm. *Urban Studies*. 3(10):15-26.
- Khan S, Kotharkar R (2012). Performance evaluation of school environs: Evolving an appropriate methodology building. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 50:479-491.
- Lynch K (2016). *The image of the city*. Translated by Mazini M. Tehran: Tehran University Press. [Persian]
- Montague JW (2015). Destination marketing association international annual conference, Las Vegas, Nevada, July 21-23, 2014. *Journal of Convention & Event Tourism*. 16(1):5-6.
- Motalebi Q (2002). Environmental psychology: The new knowledge-based discipline at architecture and urban design's service. *Fine Arts*. (10):52-67. [Persian]
- Nasar JL (1997). *The evaluate image of the city*. 1st edition. New York: SAGE Publications.
- Rafiian M, Khodae Z (2010). The study of determining indices and criteria of citizen's satisfaction with urban public spaces. *Strategy*. 18(53):227-248. [Persian]
- Rahimi L, Rafiyan M, Bagheri M (2017). Evaluation the impacts of spatial scale on the residents' attachment to place in central neighborhoods (Tabriz city). *Journal of Architecture and Urban Planning*. 9(18):43-58. [Persian]
- Rapoport A (1990). *The meaning of the built environment: A nonverbal communication approach*. Arizona: University of Arizona Press.
- Schaufeli WB, Salanova M, González-Romá V, Bakker AB (2002). The measurement of engagement and burnout: A two sample confirmatory factor analytic approach. *Journal of Happiness Studies*. 3:71-92.
- Seif AA (2015). *Educational measurement, assessment and evaluation*. Tehran: Doran. [Persian]
- Sharifi HP (2008). *Measuring performance in the teaching-learning process*. Qom: Tebyan Press. [Persian]
- Tayyebi A, Zekavat K (2017). Exploring Iranian tourists' image of Isfahan using Grounded theory. *Soffeh*. 27(2):63-78. [Persian]
- Tolman EC (1948). Cognitive maps in rats and men. *Psychological Review*. 55(4):189-208.
- Vaske JJ, Kobrin KC (2001). Place attachment and environmentally responsible behavior. *The Journal of Environmental Education*. 32(4):16-21.
- Vahdat S, Sajadzadeh H (2016). The study and evaluation of the role of urban art in increasing the presence of public spaces with an emphasis on urban graphics (case study: Hamadan Mardom Park). *Scientific Journal of Pazuhehsh-e Honar*. 6(11):25-38. [Persian]
- Whyte WH (1980). *Social life of small urban spaces*. New York: Project for Public Spaces.
- Willms JD (2003). *Student engagement at school: A sense of belonging and participation*. Results from PISA 2000. Paris: OECD.
- Zamani BE, Nasre Isfahani AR (2009). Physical and cultural characteristics of instructional spaces in four developed countries from the viewpoints of Iranian parents and students. *Journal of Educational Innovation*. 6(5):55-84. [Persian]

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.**تأییدیه اخلاقی:** موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.**تعارض منافع:** این تحقیق برگرفته از رساله نویسنده اول به راهنمایی

نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

سهم نویسندگان: بهرام مهری قاراب علیا (نویسنده اول)، نگارنده

مقدمه/روش‌شناسی/نگارنده بحث (۳۵٪)؛ مسعود حق‌لسان (نویسنده دوم)،

نگارنده بحث/نگارنده مقدمه (۳۵٪)؛ آرش ثقفی (نویسنده سوم)، نگارنده

مقدمه/ نگارنده بحث (۳۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- Appleton JJ (2012). Systems consultation: Developing the assessment-to-intervention link with the Student engagement instrument. In: Christenson S, Reschly A, Wylie C, editors. *Handbook of research on student engagement*. Boston: Springer. p. 725-741.
- Aram F, Gharaei F, Habibi M (2018). A survey on the role of periodical markets in the sociability of neighborhood's residents and social interactions, case study: Hamedan. *Armanshahr Architecture & Urban Development*. 11(23):135-145. [Persian]
- Audas R, Williams JD (2001). Engagement and dropping out of school: A life-course perspective. *Human Resources and Social Development Canada*.
- Azemati HR, Sabahi S, Azemati S (2012). Environmental factors affecting student satisfaction of learning spaces. *Naqshejahan*. 2(1):31-42. [Persian]
- Azzi V, Catharine D, Roberto J (2007). An evaluation method for school building design at the preliminary phase with optimization of aspects of environmental comfort for the school system of the State São Paulo in Brazil. *Building and Environment*. 42(2):984-999.
- Barker RG (1969). *Ecological psychology: Concepts and methods for studying the environment of human behavior*. California: Stanford University Press.
- Berman MA (1996). The transportation effects of neo-traditional development. *Journal of Planning Literature*. 10(4):347-363.
- Blaikie N (2009). *Designing social research: The logic of anticipation*. 2nd edition. Cambridge: Polity.
- Day C (2007). *Environment and children: Passive lessons from the everyday environment*. 1st edition. Milton Park: Routledge.
- Finn JD (1998). Parental engagement that makes a difference. *Educational Leadership*. 55(8):20-24.
- Fredricks JA, Blumenfeld PC, Paris AH (2004). School engagement: Potential of the concept, state of the evidence. *Review of Educational Research*. 74(1):59-109.
- Hartig T, Evans GW, Jamner LD, Davis DS, Gärling T (2003). Tracking restoration in natural and urban field settings. *Environmental Psychology*. 23(2):109-123.
- Jimerson SR, Campos E, Greif JL (2003). Toward an understanding of definitions and measures of school engagement and related terms. *The California School Psychologist*. 8(1):7-27.
- Kamelnia H (2010). A new outlook at design of learning environments. *Architecture & Culture*. 12(41):6-14.